

نگاهی به فیلم &171#؛ ملکه آلیشون&187#؛ | این کپی برابر اصل نیست



شناسه خبر : ۱۳۴۸۹۷ جمعه ۲۰ بهمن ۱۴۰۲ - ۰۸:۴۵

با احتساب گذر ۱۰ ساله از فیلم ملکه آلیشون، کارگردان اثر تلاشی قابل تقدیر داشته و می‌توان با حمایت از وی و دیگر استعدادها، به سینمای کودک جانی تازه بخشید و از خلق آثار سفارشی با کودک، به تولید فیلم‌هایی برای کودک و نوجوان رسید.

موج خبر-مرتضی رنجبران

فیلم ملکه آلیشون از جمله آثاری است که در چهل و دومین جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمد؛ فیلمی از ابراهیم نورآور محمد که 10 سال از تولید آن می‌گذرد.

فارغ از آنکه این فیلم چگونه با آنکه تاریخ مصرف تولید 10 ساله دارد در جشنواره پذیرفته شده اما در مجموع این فیلم ترکیبی از تجمیع فیلم‌های خارجی متعددی است که در ژانر کودک و نوجوان ساخته شده و ترکیب خرده پی‌رنگ‌های آن آثار و تاثیرپذیری از قرار دادن نیروهای خیر و شر در برابر هم در نهایت، تلاشی بوده که به ثمر ننشسته است.

پاشنه آشیل ملکه آلیشون شخصیت پردازی قهرمان کودک است. قهرمان در این اثر در یک بستر سازی غیر منطقی، به یکباره از پسری طبیعت ستیز به پسری مبارز برای طبیعت تبدیل می‌شود و چرخه تغییر شخصیت براساس زمینه چینی‌های درست در فیلمنامه پیش نمی‌رود.

همچنین برخی شخصیت‌ها در این فیلم بلا تکلیف هستند که از جمله آنها، الیسا دختر بچه‌ای که تنها دوست آدور قهرمان مورد نظر فیلمساز است. همچنین پدر بزرگ نه در گریم و نه در ساختار هیچ شباهتی به یک پدر بزرگ ندارد و بیشتر شبیه پدر آدور است.

نقطه تقابل نیروی خیر، استفاده از مدال برای قدرت دادن به آدور، مقابله سردستی نیروی خیر و شر که بدون طی شدن مسیر مشخصی اتفاق می‌افتد از دیگر مشکلات اثر است.

همچنین در جایی که آدور بارها به عنوان پسری ترسو در اثر به مخاطب معرفی شده، به یکباره قدرت مقابله با نیروی شر را در درون خود احساس می‌کند و در طی مسیر به موجودی بر می‌خورد که او هم کارکردی براساس فیلمنامه ندارد و حذف او به فیلم ضربه‌ای نمی‌زند و گریته برداری فیلمساز در این بخش از آثار مشابه خارجی که در آن قهرمان در مواجهه با پدیده‌های مختلف، به یک قهرمان جنگجو تبدیل می‌شود شکست می‌خورد.

از این بخش که بگذریم گذر زمان در چهره فیلم کاملاً مشهود است. استفاده از جلوه‌های ویژه‌ای که دیگر رنگ و لعاب ندارد و دست آویز شدن به وله‌های رایانه‌ای قدیمی، موجب می‌شود کودک و نوجوان امروز با اثر ارتباط برقرار نکند.

در نگاهی دیگر همچنین فیلمساز حس انتقام را دستمایه تقابل آدور با نیروی شر قرار می‌دهد که این مهم در تقابل با ماهیت انسانی و آموزشی برای کودک و نوجوان قرار داشته و پیامی جز مبارزه برای انتقام ندارد. این در حالی است که فیلمساز در نهایت می‌خواهد آدور را به عنوان قهرمان نجات جنگل معرفی کند اما ناخواسته به دام انتقم جویی می‌افتد.

براساس برآیند فیلم ملکه آلیشون، نوآور محمد به عنوان کارگردان فیلم کودک، یک ویژگی درست دارد که اگر در چارچوب مناسبی قرار گیرد می‌تواند در آثار بعدی موفق باشد و آن چیزی جز رویاپردازی و تخیل برای کودک و نوجوان نیست.

ملکه آلیشون به رغم همه معضلات، نشان از تلاش فیلمساز برای خلق سرزمینی پاک از پلیدی‌ها و معضلات برای کودکان دارد و می‌خواهد به کودکان درس قهرمانی بدهد اما در این راه به شکست می‌رسد.

با احتساب گذر 10 ساله از فیلم ملکه آلیشون، کارگردان اثر تلاشی قابل تقدیر داشته و می‌توان با حمایت از وی و دیگر استعدادها، به سینمای کودک جانی تازه بخشید و از خلق آثار سفارشی با کودک، به تولید فیلم‌هایی برای کودک و نوجوان رسید.

انتهای پیام/

انتهای پیام/